

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عقاید خاصه شیعه

کرایش فقه و اصول

درس ۱۶

استاد: حجت الاسلام والمسلمین طبسی

آموزشیار: آقای کارگر

مقدمه:

یکی از مهم‌ترین سؤالاتی که به ذهن‌خطور می‌کند، مربوط به هدف رجعت و خصوصیات آن است. به راستی هدف از رجعت چیست و چرا حضرت حق، گروهی را دوباره به دنیا باز می‌گرداند؟ هم‌چنین جزئیات رجعت، به چه ترتیبی است و چه کسانی رجعت خواهند کرد؟ در بررسی مباحث مربوط به رجعت با توجه به منابع مختلف، از جمله قرآن، روایات، ادعیه و زیارات و نظرات علما، در این درس تلاش خواهد شد تا نظرات علما را پی‌گرفته و در ادامه به برخی از تفاسیر مرتبط با رجعت اشاره شود و اهداف و خصوصیات آن مورد بررسی قرار گیرد.

گفتار علما و مفسرین شیعه درباره رجعت

۴. علامه طبرسی می فرماید :

از ظاهر روایات بسیاری که از ائمه ی اطهار (ع) به ما رسیده است در می یابیم که : خداوند هنگام ظهور امام زمان (ع) گروهی از یاران حضرتش را به دنیا باز می گرداند پس از آنکه مرده بودند تا به افتخار نصرتش نایل و به ظهور دولتش شادگردند.

و همچنین گروهی از دشمنانش را باز می گرداند تا اندکی از مجازات هایی که مستحق آن هستند بچسند؛ مجازاتی از قبیل کشته شدن به دست شیعیان مهدی (ع) و احساس حقارت و شرمندگی به آنچه که می بینند از برقراری حکومت اسلام و سلطنت مهدی.^۱

۵. علامه مجلسی (ع) فرموده :

واجب است که به رجعت ایمان داشته باشیم زیرا که از خصایص شیعه است و ثبوت آن از راه ائمه ی اطهار (ع) بین خاص و عام مشهور گشته است ...^۲

همو می فرماید : بدان ای برادر ، گمان نمی کنم که - درباره ی رجعت - باز هم به شک بیفتی . با این که توضیح دادم که این مسأله از مسایل اجماعی شیعه است که در تمامی زمان ها و اعصار مورد اتفاق بوده و همانند خورشید در وسط روز آشکار بوده است . به گونه ای که در اشعار و نظم ها آمده ، و بر مخالفین احتجاج می کرده اند و مخالفین نیز این عقیده را دست آویز و نقطه ضعف بر شیعه قرار داده و در کتاب های خود به آن اشاره کرده اند؛ همانند فخر رازی و نیشابوری و دیگران و ابن ابی الحدید نظر شیعه را در این مسأله کاملاً توضیح داده^۳

حال چگونه کسی معتقد به حقانیت ائمه ی اطهار (ع) باشد ، ولی در آنچه به تواتر از آنان رسیده شک کند؛ چون نزدیک به دویست روایت صریح و روشن وجود دارد که بیش از چهل نفر از علمای بزرگ و موثقین ما در بیش از پنجاه کتاب خود نقل کرده اند . پس اگر این نقل ها متواتر نباشد در کجا و در چه موردی می توان ادعای تواتر کرد ؟ با توجه به این که تمامی علمای شیعه از گذشته و حال ، آن را نقل کرده اند.

به نظر من کسی که در این مسأله و نظایر آن شک کند ، در واقع شک در امامان دین دارد ولی جرأت اظهار آن را در میان مؤمنان ندارد. از این رو برای تخریب دین و ضربه زدن به اعتقادات و باورها ، دست به نیرنگ زده و بین مستضعفان فکری القای شبهه می کند.^۴

۶. علامه طریحی (ع) می فرماید :

^۱ مجمع البیان ، ج ۷ ، ص ۲۳۴.

^۲ رساله اعتقادات ، ص ۹۱.

^۳ شرح نهج البلاغه ، ج ۷ ، ص ۱۵۹.

^۴ بحار الانوار ، ج ۵۳ ، ص ۱۲۳.

رجعت از جمله ضروریات مذهب ما است ، و شواهد بسیاری از قرآن و روایات بر آن هست ، به طوری که مشهورتر از آن است که ما آن را ذکر کنیم تا جایی که روایت شده از ما نیست کسی که به رجعت ما اقرار و اعتراف نکند.^۱

۷. شیخ حر عاملی (ع) می فرماید :

رجعت از مسائلی است که مورد اتفاق علمای شیعه گشته و بلکه مورد اتفاق امت - شیعه و سنی - است.^۲

۸. ابوالحسن شریف صاحب تفسیر مرآت الانوار می فرماید :

بدانید که ثبوت رجعت به معنای خروج بعضی از مردم از قبور خود به دنیا و زندگی مجدد آنان بعد از ظهور امام زمان (عج) و رجعت پیامبر اکرم (ص) و ائمه ی اطهار (ع) و یا بعضی از آنان به ویژه امیر المؤمنین (ع) و امام حسین (ع) و زمام حکومت را به دست گرفتن ، و دشمنان اسلام را به سزای اعمالشان رساندن ، از مسائلی است که اصلاً جای شک و شبهه ای در آن نبوده بلکه از جمله ضروریات مذهب است.^۳

۹. آیت الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی در پاسخ به سؤالی می فرمایند :

آری ، اخبار کثیری دلالت دارد بر این که ائمه ی اطهار (ع) پس از ظهور امام زمان (ع) به دنیا رجعت می کنند.^۴

۱۰. آیت الله طوسی والد بزرگوارم می فرماید :

عقیده به رجعت از طریق اخبار متواتر که مفید قطع و یقین است ثابت گردیده.^۵

سنخیت رجعت و قیامت

مرحوم علامه طباطبائی ذیل آیه «هل ينظرون الا ان ياتيهم الله في ظلل من الغمام والملائكة» فرموده است :

از امامان خاندان پیغمبر (ص) تفسیر این آیه به سه نحو روایت شده :

۱. تفسیر آن به روز رستاخیز چنان که در تفسیر عیاشی از حضرت باقر (ع) روایت شده ؛

۲. تفسیر آن به رجعت چنان که شیخ صدوق از حضرت صادق (ع) روایت کرده؛

۳. تفسیر آن به روز ظهور امام دوازدهم چنان که عیاشی به دو طریق از حضرت باقر (ع) روایت کرده است.

نظیر این گونه روایات از خاندان پیغمبر زیاد است که بسیاری از آیات را گاهی به قیامت و گاهی به رجعت و گاهی به ظهور مهدی آل محمد تفسیر کرده اند و این نیست مگر به واسطه یک نحو سنخیت و مناسبتی که بین این سه روز موجود است.

چون آن طوری که باید و شاید از حقیقت روز قیامت بحث نشده و کیفیت این روز با عظمت چنان که از قرآن شریف استفاده می شود معلوم نگشته درباره این روایات عقاید مختلفی پیدا شده است؛ بعضی این روایات را که

^۱ مجمع البحرین ، ماده رجع ، ص ۳۹۴.

^۲ الشیعة و الرجعة ، ج ۲ ، ص ۲۵۱ . به نقل از ایقاظ الهجعه. مؤلف این کتاب همان مؤلف کتاب شریف وسائل الشیعه است که امروز مدار فقه شیعه جعفری بر آن است..

^۳ الشیعة و الرجعة ، ج ۱ ، ص ۲۷۷.

^۴ همان ، ص ۲۸۴ ؛ مرحوم والد این کلمات را در این کتاب مفصلاً نقل کرده اند.

^۵ همان و ج ۲ ، ص ۱۳۴.

بالغ بر صدها روایت است و شاید عدد آنها از پانصد هم تجاوز کند به طور کلی طرح کرده اند. و بعضی که نسبتاً متعادل ترند به نقل آنها قناعت کرده و از اظهار نظر خودداری کرده‌اند. برخی از غیر شیعه، گرچه به ظهور مهدی (عج) اقرار نموده و آن را با روایات متواتری از پیغمبر خدا (ص) نقل کرده اند ولی موضوع رجعت را منکر شده و قائل شدن به آن را از مختصات شیعه دانسته‌اند. البته امروزه بعضی از کسانی که منسوب به شیعه‌اند به ایشان ملحق شده و روایات رجعت را از جعلیات یهود و برخی از کسانی که تظاهر به اسلام می کرده اند مانند عبدالله سبا و یارانش شمرده اند. دیگری در صدد ابطال رجعت با دلیل عقلی برآمده و چنین گفته است: به عنایت پروردگار مرگ به موجود زنده ای عارض نمی شود تا اینکه دوران زندگیش را کامل کند و آنچه را در استعداد دارد به فعلیت برسد و به اصطلاح هر کمالی را بالقوه دارد بالفعل شود.

بنابراین اگر کسی بعد از مرگ زنده شود و به دنیا برگردد معنایش این است که بعد از رسیدن به سر حد فعلیت باز به حال قوه و استعداد عود کرده و این محال است مگر اینکه مخبر صادقی چون خدا یا خلیفه ای از خلفاء خدا خبر دهند؛ چنان که در داستان های موسی و عیسی و ابراهیم و غیر ایشان خبر داده اند، ولی درباره رجعت چنین خبری نرسیده و استدلالی که به اخبار شده تمام نیست، سپس در مقام بیان ضعف روایات، صحیح و غیر صحیح آنها را رد می کند.

امستدل توجه نداشته است که اگر این دلیل یک دلیل عقلی تام باشد آخرش اولش را باطل می کند زیرا اگر چیزی محال شد به خبر دادن مخبر راستگو ممکن نمی شود؛ و کسی که به وقوع محال خبر می دهد راستگو نیست. و اگر فرض شود که راستگو است ناچار باید سخن او را به نحوی که ممکن است تأویل نمود، مثل اینکه کسی خبر بدهد که یکی نصف دو تا نیست یا اینکه هر راستگوئی دروغگو است.

این مطلب که هرگاه چیزی به فعلیت رسید برگشتن آن به قوه محال است مطلب صحیحی است ولی مورد بحث ما از موارد آن نیست؛ زیرا انسان وقتی کاملاً از قوه خارج شده و به فعلیت می رسد که واجد هر کمالی که برایش ممکن است بشود و مفارقت روحش از بدن به موت طبیعی باشد. آنچه که مستدل فرض کرده این است که روح انسانی دوره تکامل خود را پیموده و نهایت استفاده اش را از بدن کرده باشد به طوری که استعداد هیچ کمال دیگری را نداشته باشد و به طبع خود از بدن خارج شود؛ اما در «موت اخترامی» که مفارقت روح از بدن به واسطه عارضه ای مانند بیماری یا قتل و امثال آنها است در این صورت بازگشت آن به دنیا هیچ محذوری ندارد؛ زیرا ممکن است انسان استعداد کمالی را در زمانی داشته باشد و بعد بمیرد و مجدداً در زمان ثانی برای کمال دیگری مستعد شود و برای استیفاء آن زنده شود، یا اینکه استعداد کمالی که مشروط به این است که بعد از زندگانی برزخی باشد پیدا کند و بعد از حصول آن شرط زنده شود و به دنیا برگردد تا آن کمال را استیفاء نماید. بنابراین رجعت هیچ محذوری ندارد و تتمه این سخن موکول به جای دیگر است.

اما راجع به اشکالی که در هر یک از روایات کرده باید گفت: این روایات از خاندان پیغمبر به صورت تواتر معنوی نقل شده است.^۱ حتی اینکه از صدر اول، قائل شدن به رجعت از مختصات شیعه و امامان ایشان شمرده می

^۱ یعنی مضمون آنها به اندازه ای از اشخاص مختلف با طرق گوناگون نقل شده که هیچ شکی در صدور آن از ایشان نیست

شده است ، و اشکال در روایات به فرض اینکه یک یک آنها هم قابل خدشه باشد ضرری نمی‌رساند؛ چرا که بسیاری از آیات و روایاتی که درباره رجعت وارد شده دلالتی تام دارد و کاملاً قابل اعتماد می باشد و در جاهای مناسب مانند آیه « ثم لننزعن من كل شيعة ايهم اشد على الرحمن عتيا »^۱ و نظائر آن متعرض آنها خواهیم شد.

به علاوه یک استدلال اجمالی از آیات شریفه درباره اثبات رجعت می توان کرد ؛ و آن اینکه : در بعضی از آیات مانند آیه (۲۱۴) از سوره بقره که می فرماید : « ام حسبتم ان تدخلوا الجنة و لما ياتكم مثل الذين خلوا من قبلکم »^۲ استفاده می شود که قضایائی که در امم سابقه به وقوع پیوسته نظیر آنها در این امت هم واقع خواهد شد و از حوادثی که در امت‌های پیشین واقع شده زنده کردن مردگان است، چنان که قرآن کریم در داستان‌های حضرت ابراهیم و موسی و عیسی و عزیر و ارمیا(ع) نقل کرده است و رسول خدا(ص) بر حسب روایتی که شیعه و سنی نقل کرده اند فرمود : سوگند به کسی که جانم در دست اوست از راهی که پیشینان شما رفته‌اند قدم به قدم خواهیم رفت و بر طبق روش ایشان عمل خواهید کرد و از راه ایشان جدا نخواهید شد مخصوصاً روش‌های بنی اسرائیل.

از اینها گذشته پیش بینی‌هایی که ائمه اهل بیت راجع به آخر الزمان کرده اند در کتبی که نسخه هایش از سال‌های متممادی بلکه قرن‌های متوالی به وسیله راویان و نقل کنندگان احادیث محفوظ مانده ضبط شده و قضایائی که به تدریج واقع می‌شود هر روز قسمتی از آنها را تصدیق می کند و این خود بهترین دلیل است بر اینکه همه آن مضامین صحیح است و تمام آن پیش بینی‌ها واقع خواهد شد.

برگردیم به اصل مطلب و آن اینکه بعضی از آیات کریمه ، در روایات شریفه گاهی به روز قیامت تفسیر شده و گاهی به ظهور مهدی یا رجعت. روایاتی که اثبات رجعت می کند گرچه به حسب آحاد مختلف است ولی همه در این معنی متحدند که نظام دنیوی در سیر خود متوجه روزی است که آیات الهی به منتهای ظهور خود برسند و در آن روز تنها خدا عبادت شود عبادتی که از شائبه هوای نفس و اغواء شیطان خالص باشد و در آن روز کسی نافرمانی خدا نکند و جمعی از دوستان و دشمنان خدا به دنیا بازگردند و حق و باطل کاملاً مشخص و ممتاز شود. لازمه این مطلب این است که رجعت یکی از مراتب قیامت باشد گرچه از لحاظ ظهور حقایق به پایه آن نمی رسد؛ زیرا در رجعت امکان فساد فی الجمله هست ولی در قیامت ابداً فساد نیست.

روز ظهور مهدی در این خاصیت با روز رجعت شریک است زیرا در آن روز هم ، حق به طور کامل جلوه می‌کند ولی ظهورش از ظهور رجعت ضعیف‌تر است . و از امامان اهل بیت(ع) روایت شده که « ایام الله » سه روز است : روز ظهور و روز رجعت و روز قیامت و در پاره ای از روایات به جای روز ظهور روز مرگ ذکر شده است. با توجه به این مطالب ، دلیل اینکه چرا بعضی از آیات هم به قیامت تفسیر شده و هم به روز رجعت و ظهور مهدی آل محمد (عج) به دست می آید. زیرا این سه روز به حسب حقیقت متحدند و به حسب مراتب مختلف می‌باشند.

^۱ مریم / ۶۹ ؛ سپس از هر گروهی هر کدام را که در سرکشی (خدای) رحمان سخت‌تر است بیرون آوریم.

^۲ مگر پنداشتید که به بهشت در آید و هنوز مثل کسانی که پیش از شما در گذشتند به شما تطبیق نشده .

از این بیانات معلوم شد که رجعت امکان دارد بلکه به وقوع نیز خواهد پیوست و کسی که آن را انکار می کند دلیلی بر نبودن آن ندارد.

هدف از رجعت

گاهی می پرسند هدف از رجعت چیست؟ و چرا خداوند دوباره گروهی را به دنیا باز می گرداند؟ این سؤال به نظر ما پاسخ های گوناگونی دارد ولی ما متعرض سه پاسخ از آن ها می شویم:

۱. بسیاری از مسایل و مطالب هنوز بر ما پوشیده و مجهول است و غرض از آن واضح نمی باشد، البته این بدان معنی نیست که پس غرضی هم ندارد و یا اصولاً آن اعتقاد صحیح نیست مانند غرض از غیبت امام زمان که در بسیاری از روایات آمده است که پس از ظهور، غرض آن روشن خواهد گشت.^۱

۲. این افراد مؤمن و اولیاء اند که یک عمر تحت فشار طاغوت و یارانش به سر برده و چه ناراحتی هایی که متحمل شده اند و با دلی پر خون از دنیا رخت بر بسته اند.

هر چند طاغوتیان به سزای اعمال خود می رسند، ولی چون در مقابل چشم مظلومین شکنجه نمی شوند ناراحتی قلبی آنان برطرف نشده و زخم هایشان التیام نمی یابد.

خداوند برای تشفی و تسلیت خاطر آنان، ظالمان را زنده و جزئی از عذاب را در پیش چشم مؤمنین به آنان می چشاند و این خود مضمون روایتی است که می فرماید: «یرجع المؤمن لزيادة الفرح و السرور و الكفار لزيادة الغم و الهم».

۳. یکی از آرزوهای هر مسلمان این است که در رکاب پیامبر اکرم و امامان معصوم باشد.

اعتقاد به رجعت می تواند نوعی تشویق برای مسلمین باشد تا خود را مجهز به نیروی ایمان کنند و رنگی از سیره ی ائمه به خود گیرند تا در نتیجه به منتهای امیدشان یعنی در رکاب امام و پیامبر زیستن برسند. بنابراین جامعه ای که این عقیده بر آن حکم فرماست، به طور طبیعی رو به کمال سیر می کند و خود به خود و بدون هیچ نیروی ظاهری پایبند به اسلام و دستورات سعادت بخش آن خواهد گشت و بالاخره جامعه ای خواهد شد که سرشار از صمیمیت و مهربانی و هم دلی است. و از طرفی رجعت می تواند هشدار برای منافقین و ظالمین به شمار آید که ای منحرفین از شاهراه اسلام، دست از ظلم و تجاوز به حدود و حقوق دیگران بردارید پیش از آنکه مصداق کافر خالص (ماحض الکفر) قرار بگیرید و پس از مرگ در ظل حکومت اسلامی زنده شوید و افزون بر آنچه در قیامت خواهید دید در دنیا به سزای اعمال ناروایتان برسید. و اگر این عقیده برای او اطمینان آور نباشد لااقل او را در شک و شبهه ای قرار داده و در نتیجه ی دلهره ای که برای او حاصل می گردد ممکن است کمی از دامنه انحرافاتش بکاهد و شاید دهها انگیزه و هدف دیگری داشته باشد که این افکار و عقول محدود ما یارای درک آن را ندارد و شاید چنین انگیزه هایی هم که بیان شد کلیت نداشته باشد.

^۱ کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۱؛ علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۸۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۱؛ مجله انتظار، ش ۴، ص ۲۶، مقاله ی: دلایل غیبت حضرت مهدی از دیدگاه روایات، تقریر درس مولف در مرکز تخصصی مهدویت قم.

نمونه هایی از رجعت

بهترین دلیل بر امکان هر چیزی وقوع خارجی آن است اینک در مورد اثبات رجعت در امت اسلام گذشته از ادله ی سابق می توان به ادله ی عینی و نمونه های خارجی رجعت استدلال کرد:

۱. تقاضای قریش از پیامبر

امام رضا (ع) فرمودند: قریش خدمت پیامبر جمع شدند خواهش کردند مردگانشان را زنده کند پیامبر به علی بن ابی طالب فرمود: با اینان به قبرستان برو و اشخاصی را که اینها می گویند به نام و با صدای رسا صدا بزن بگو: ای فلان ای فلان ای فلان! محمد می فرماید به اذن خدا برخیزید.

چون به دستور عمل کردند همه برخاسته گرد و خاک از سر خود افشانند قریش از حالات آنان پرسش کردند و از بعثت پیغمبر آگاهشان کردند گفتند: ای کاش ما هم او را درک می کردیم و به وی ایمان می آوردیم.^۱

۲. تقاضای مرد مخزومی از امیر المومنین (ع)

امیر المومنین (ع) در قبيله بنی مخزوم همشیره زادگانی داشت، روزی یکی از آنان آمد و عرض کرد: دایی جان! برادر من مرده و سخت بر او اندوهگینم فرمود: می خواهی او را ببینی؟ عرض کرد آری فرمود: قبرش را به من بنما سپس حله لباس پیامبر را به کمر بست و با هم بر سر قبر رفتند اندکی لبان مقدسش را حرکت داد و پا به قبر زد. مرده از قبر بیرون آمد و به زبان فارسی سخن گفت.....^۲

۳. امام باقر (ع) و مرد شامی

مردی شامی که از دشمنان اهل بیت بود خدمت امام باقر(ع) رفت و آمد می کرد. طولی نکشید که مریض شد و مرد ... وصی او خدمت حضرت رسید و گفت: فلان مرد شامی مرده و وصیت کرده شما بر جنازه اش نماز بخوانید. فرمود اشتباه کرده اید تعجیل مکنید تا من بیایم.

آن گاه برخاست دو رکعت نماز گزارد و مدتی دست به دعا برداشت سپس سر به سجده نهاد تا آفتاب طلوع کرد. آنگاه او را نشانند و تکیه اش داد و برگشت، طولی نکشید که شامی صحت یافت و خدمت حضرت رسید، عرض کرد: گواهی می دهم که تو حجت خدایی بر خلقش فرمود: چه دیدی؟ گفت: شهادت می دهم که روح خویش را نگریستم و با چشم خود دیدم، و چیزی مرا برنگرداند مگر شخصی که شنیدم فریاد زد - در حالی که خواب هم نبودم - گفت: روح را برگردانید که محمد بن علی او را از ما خواسته است و بعد از آن از اصحاب امام باقر(ع) شد.^۳

۴. پیامبر اکرم در حجه الوداع

^۱ ایقاظ، الهجعه، ص ۱۱۵.

^۲ اصول کافی، ج ۱، ص ۳۸۰، باب ولادت امیر المومنین (ع).

^۳ ایقاظ الهجعه ص ۱۹۵.

امام صادق (ع) فرمود: در سفر حجة الوداع پیامبر (ص) در ابطح نزدیک مکه پیاده شد، مسندی برایش ترتیب دادند، نشست و دست به آسمان بلند کرد و سخت گریست. سپس عرض کرد: پروردگارا! تو به من وعده دادی که پدر و مادرم را عذاب نکنی خدا به وی وحی کرد: من بر خود حتم کرده ام که جز گوینده ی لا اله الا الله محمد رسول الله را وارد بهشت نکنم. اکنون برو و در این دره آنها را صدا بزنی، اگر جواب دهند رحمت من شامل حالشان شود. پیغمبر برخاست به دره رفت و پدر و مادر و عموی خویش را صدا زد، همه در حالی که خاک از سر می فشاندند از قبر بیرون آمدند. فرمود: این کرامتی را که خدا به من عطا کرده نمی بینید؟ گفتند: شهادت می دهیم که جز خدا خدایی نیست، و تو پیامبر بر حق خدایی و هر چه آورده ای همه بر حق است، فرمود: به خوابگاه خود برگردید، و به جانب مکه روان شد، هنگامی که حضرت علی (ع) از یمن به مکه آمد پیغمبر (ص) این بشارت را به او داد، امیر المومنین (ع) فرمود: الحمد لله.^۱

۵. پیامبر اکرم (ص) در قبرستان بنی ساعده

امام صادق (ع) فرمود: پیامبر به جبرئیل فرمود: به من بنما چگونه خدا مردگان را در قیامت زنده می کند. جبرئیل به قبرستان «بنی ساعده» رفت و بر سر قبری صدا زد: به اذن خدا بیرون بیا، مردی - در حالی که خاک از سر می فشاند و اوایل گویان - بیرون آمد، فرمود: برگرد، باز وارد قبر شد. بر سر قبر دیگری رفت و گفت: به اذن خدا بیرون بیا جوانی در حالی که خاک از سر می فشاند و اشهد ان لا اله الا الله می گفت از قبر خارج شد، فرمود: روز قیامت این طور زنده می شوید.^۲

این نمونه هایی از وقوع رجعت در همین امت بود و آیا رجعت که از ضروریات شیعه است و آیات و روایات و اجماع بر صحت آن دلالت دارد قابل تأویل به معنای دیگر است؟!^۳

خصوصیات رجعت

با دلایل ذکر شده نتیجه گرفتیم که اصل رجعت از ضروریات مذهب است پس از پذیرش این اعتقاد اولین پرسش هایی از این قبیل مطرح می گردد که: جزئیات رجعت به چه ترتیب است؟ و اولین شخصی که رجعت می کند چه کسی است؟ و آیا امیرالمومنین (ع) یک بار رجعت می کند، یا بیشتر؟ و مدت حکومت هر امام چقدر خواهد بود؟ مدت زندگی، رجوع کنندگان چقدر است؟ و آیا پس از آن قیامت به پا می شود؟ و آیا شیطان در این جریان کشته و مردم از شر او رهایی می یابند؟ و دهها سؤال دیگر. دستیابی به پاسخ متقن و مورد اطمینان درباره این سؤالات، تنها از طریق متون دینی معتبر امکان پذیر است، لکن روایات قطعی و یقین آوری که بیان کننده

^۱ ایقظ الهمجه، ص ۱۹۷؛ شاید این جریان با اعتقاد به این که ابوطالب (ع) مؤمن از دنیا رفت تضاد داشته باشد و مرحوم والد در کتاب ایمان ابی طالب مفصلاً بحث فرموده اند.

^۲ ایقظ، ص ۲۰۷، به نقل از قرب الاسناد، ح ۱۸۳.

^۳ ابن ابی الدنيا، در کتاب خود موارد زیادی از رجعت در این است و امت های گذشته را نقل کرده است که برای رعایت اختصار فقط به ذکر نام آنها بسنده می کنیم: ۱. رجعت زید بن خارجه ۲. رجعت یکی از جوانان انصار ۳. رجعت یکی از کشته های مسیلمه کذاب ۴. رجعت برادر ربیع بن خراش ۵. رجعت یکی از بستگان مخلد بن ضحاک ۶. رجعت زنی به نام رؤیه ۷. رجعت یک شهید ۸. رجعت یک مرده به روایت عبد الله بن شؤذب.

تمامی جزئیات و وقایع رجعت باشند در اختیار ما نیست. هم‌چنین از آنجا که اعتقاد به جزئیات این واقعه، از ضروریات مذهب نیست، لذا اعتقاد به این جزئیات هیچ‌گونه الزامی ندارد.

بدین جهت در این زمینه به بعضی از روایاتی که در مورد خصوصیات رجعت رسیده و تا حدی از تعارض به دور است و از طرفی مورد قبول اهل فن می‌باشد اشاره می‌کنیم:

۱. اولین کسی که باز می‌گردد:

از امام باقر (ع) نقل شده است که اول کسی که در رجعت باز خواهد گشت حضرت امام حسین (ع) است، او آن قدر حکومت خواهد کرد که از کثرت پیروی ابروهای او بر روی دیده‌اش آویخته می‌شود.

۲. نبرد حسین بن علی (ع):

از امام باقر (ع) نقل است که حضرت سید الشهداء در صحرای کربلا پیش از شهادت فرمودند: جدم رسول خدا (ص) به من گفت: فرزندم، تو را به سوی عراق خواهند برد، در زمینی که پیامبران و اوصیای ایشان در آنجا یکدیگر را ملاقات کردند وارد خواهند نمود، و آن زمین را «عمورا» می‌گویند و در آنجا شهید خواهی شد و همراه تو جماعتی از اصحاب تو به شهادت خواهند رسید که درد و ناراحتی بریدن شمشیر به آنها نخواهد رسید، همان طوری که خداوند آتش را بر ابراهیم (ع) سرد و سلامت گردانید آتش جنگ بر تو و اصحاب تو سرد و سلام خواهد شد.

پس بشارت باد شما را و شاد باشید که ما به نزد پیغمبر خود می‌رویم و آن قدر در آن عالم بمانیم که خدا بخواهد، سپس اولین کسی که زمین شکافته و از آن بیرون می‌آید من خواهم بود و بیرون آمدن من موافق با بیرون آمدن امیر المؤمنین (ع) و قیام قائم (ع) خواهد بود. پس گروهی از آسمان از جانب خداوند بر من نازل می‌شوند که هرگز بر روی زمین فرود نیامده باشند، این گروه با جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و لشگرهایی از ملائکه خواهند بود.

و فرود می‌آید محمد (ص) و علی (ع) و من و برادرم و جمیع آنها که خداوند بر ایشان منت گذاشته است از انبیاء و اوصیاء در حالی که بر اسبهایی ابلق - سیاه و سفید - سوارند؛ مرکب‌هایی که احدی قبل از آنها بر آن سوار نشده است.

پس از رسول الله (ص) خود پرچم به دست می‌گیرد و حرکت می‌کند و شمشیر خود را به دست قائم ما می‌دهد، سپس آنچه خدا خواهد می‌نماییم و خداوند در مسجد کوفه چشمه‌هایی را ظاهر خواهد نمود، آنگاه امیر المؤمنین (ع) شمشیر رسول الله (ص) را به من می‌سپارد و به سمت مشرق و مغرب می‌فرستد، پس هر که دشمن خدا باشد خونس را بریزم و هر بتی را بیابم، بسوزانم تا آنکه بر زمین هند برسم و تمام آن بلاد را فتح می‌کنم، و حضرت دانیال و یوشع زنده می‌شوند و به سوی امیر المؤمنین (ع) می‌آیند و می‌گویند: راست گفتند خدا و رسول او در وعده‌هایی که دادند.

آنگاه امیر المؤمنین (ع) هفتاد نفر را با ایشان به سوی بصره می‌فرستد تا هر که در مقام جنگ برآید او را بکشند، و لشکری به سوی بلاد روم بفرستند که آنها را فتح کنند، پس هر حیوان حرام گوشت را می‌کشم تا روی زمین به

غیر از طیبات و نیکوها چیزی نباشد و جزیه را برطرف کنم و یهود و نصاری و سایر ملل را بین اسلام و جنگ مخیر گردانم، پس هر که اسلام آورد بر او منت گذارم و هر که مسلمان نشود خونس را بریزم .
 هیچ مردی از شیعیان ما نماند مگر آن که خدا ملکی به سوی او بفرستد که خاک را از روی او پاک کند و زنان و منزل او را در بهشت به او نشان دهد، و هر کور و زمین گیر و دردمندی که باشد خداوند از آسمان برکات فرو ریزد تا جایی که شاخه‌های درخت از کثرت میوه شکسته، و میوه تابستان در زمستان و بالعکس بروید .
 این است معنای قول خداوند که اگر اهل شهرها و آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و پرهیزکار می‌شدند برکات آسمان و زمین را بر آن‌ها می‌گشودیم . ولی آن‌ها (حق را) تکذیب کردند ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم.^۱
 خداوند، کرامتی به شیعیان ما می‌بخشد که هیچ چیزی در زمین بر آنها مخفی نماند و حتی اگر از فاصله‌ای بخواهد از احوالات منزل خود مطلع گردد خداوند به او الهام می‌کند و او را در جریان می‌گذارد .^۲

^۱ اعراف / ۹۶؛ «و لو أن اهل القرى آمنوا و اتقوا لفتحنا علیهم برکاتٍ من السماء و الارض و لکن کذبوا فاخذناهم بما كانوا یکسبون» .

^۲ حق الیقین، ۳۷۵ .

چکیده :

۱. از دیگر علمای بزرگ شیعه که رجعت را امری مسلم و قطعی دانسته‌اند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد : علامه طبرسی ، علامه طریحی ، شیخ حر عاملی ، ابو الحسن شریف ، آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی و علامه طباطبایی.
۲. علامه طباطبایی آیه «هل ينظرون الا أن ياتيهم الله في ظل من الغمام و الملائكة» را به روز رستاخیز یا رجعت و یا روز امام زمان تفسیر کرده است.
۳. عده ای برای ابطال رجعت با دلیل عقلی اینگونه استدلال کرده اند که : مرگ در صورتی بر موجود زنده عارض می‌شود که کمالات بالقوه او به فعلیت رسیده باشد. در نتیجه رجعت و زنده شدن پس از مرگ به این معناست که انسان پس از رسیدن به سر حد فعلیت و کمال دوباره به حال قوه و استعداد برگردد و این محال است مگر اینکه فردی راستگو آنرا روایت کند ، که در مورد رجعت چنین چیزی وجود ندارد.
۴. در پاسخ به این شبهه می‌گوییم : اولاً دلیل عقلی استثنا بردار نیست نه با سخن مخبر صادق نه با سخن اولیای خدا؛ ثانیاً این سخن درباره موت اخترامی که مفارقت روح از بدن به واسطه عارضه ای مانند بیماری یا قتل است صحیح نمی‌باشد .
- ثالثاً روایات رجعت ، تواتر معنوی دارد؛ رابعاً طبق آیات و روایات ، وقایع امم سابقه در است اسلام هم به وقوع می‌پیوندد که از جمله این وقایع ، رجعت به دنیاست.
۵. حکمت حقیقی بسیاری از مسایل - از جمله رجعت - بر ما پوشیده است، اما تشفی خاطر مؤمنین، انتقام از ظالمان ، آمادگی برای خدمت در محضر ائمه و هشدار به منافقین و کفار ، از جمله مواردی است که می‌توان به عنوان اهداف رجعت بر شمرد.
۶. اعتقاد به جزئیات رجعت برخلاف اصل رجعت از ضروریات مذهب امامیه نبوده و در آن اختلافاتی وجود دارد.